

نزهة النواظر فی ترجمة معدن الجواهر

نویسنده: محمد بن علی کراچکی

تحقیق: حاج شیخ عباس قمی





نزهة النواظر فی ترجمه معدن الجواهر

نویسنده: محمد بن علی کراچکی / تحقیق: حاج شیخ عباس قمی

ناشر: دریای معرفت

چاپ اول: ۱۳۹۲

تعداد صفحات: ۱۳۶ صفحه

قطع: رقعی

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

بها: ۱۵۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۹۴۴-۲۵-۸

تمامی حقوق محفوظ و مخصوص انتشارات دریای معرفت می باشد.

آدرس: خیابان ۱۷ شهریور، خیابان عجب گل، پلاک ۱۶۸

سرشناسه	:	کراچکی، محمد بن علی، - ۴۴۹ ق.
عنوان قراردادی	:	معدن الجواهر و تنبیه الخواطر، فارسی
عنوان و نام پدیدآور	:	نزهة النواظر فی ترجمه معدن الجواهر / نویسنده محمد بن علی کراچکی؛ ترجمه عباس قمی.
مشخصات نشر	:	تهران: دریای معرفت، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری	:	۱۳۶ ص.
شابک	:	۹۷۸-۶۰۰-۶۹۴۴-۲۵-۸
یادداشت	:	کتاب حاضر در سالهای مختلف توسط ناشرین متفاوت منتشر شده است.
موضوع	:	اندرزنامه ها
موضوع	:	اخلاق اسلامی -- متون قدیمی تا قرن ۱۴
شناخته افزوده	:	قمی، عباس، ۱۲۵۴-۱۳۱۹، مترجم
رده بندی کنگره	:	۴۱۱۳۹۲ م ۶۰۴/ک پ ۸۲۴۹ BP
رده بندی دیویی	:	۲۹۷/۶۷
شماره کتابشناسی ملی	:	۳۳۳۹۰۰۹

فهرست

۹	[مقدمه تحقیق]
۳۱	باب اول [در یک خصلت]
۱۹	باب دوم در د و خصلت‌های مرویه است
۳۱	باب سوم در خصال سه‌گانه
۴۵	باب چهارم در چهار خصلت
۵۷	باب پنجم در خصال پنج‌گانه
۶۵	باب ششم در خصال شش‌گانه است
۷۳	باب هفتم در خصال هفت‌گانه
۷۹	باب هشتم در خصال هشت‌گانه است
۸۵	باب نهم در نه خصلت است
۹۵	باب دهم در ده خصلت است

- پنجاه كلمه در نصيحت و موعظه سودمند بقلم مؤلف ١٠١
- كلمة فى الخوف والخشية ١٠١
- كلمة فى الرجاء ١٠٢
- كلمة فى الغيرة والحمية ١٠٢
- كلمة فى ذم العجلة ١٠٣
- كلمه فى ذم الغضب ١٠٣
- كلمة فى الحلم ١٠٣
- كلمة فى العفو ١٠٤
- كلمة فى الرفق ١٠٤
- كلمة فى ذم سوء الخلق ١٠٥
- كلمة فى ذم العداوة والشتم ١٠٥
- كلمة فى ذم العجب ١٠٥
- كلمة فى التكبر والتواضع ١٠٦
- كلمة فى ذم القساوه ١٠٧
- كلمة فى الشره ١٠٧
- كلمة فى ذم حب الدنيا ١٠٩
- كلمة فى الفقر ١٠٩
- كلمة فى ذم السؤال ١٠٩
- كلمة فى ذم الحرص ١١٠
- كلمه فى ذم الطمع ١١١
- كلمه فى ذم البخل ١١١

- كلمة فى السخاء ١١١
- تكلمة لطيفه ١١٢
- كلمة فى الاجتناب عن الحرام ١١٣
- كلمة فى ذم التكلم بما لا يعنى ١١٣
- كلمة فى ذم الحسد ١١٤
- كلمة فى تحقير الناس ١١٤
- كلمة فى ذم الظلم ١١٥
- كلمة فى قضاء حاجة المؤمن ١١٦
- كلمة فى القاء السرور فى قلب المؤمن ١١٦
- كلمة فى الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر ١١٦
- كلمة فى مدح الألفه ١١٧
- كلمة فى صلة الرحم ١١٧
- كلمة فى عقوق الوالدين ١١٨
- كلمة فى مراعاة الجار ١١٨
- كلمة فى ذم اظهار العيوب ١١٩
- كلمة فى حفظ السر ١١٩
- كلمه فى ذم النميمه ١١٩
- كلمة فى ذم الشماتة ١٢٠
- كلمة فى ذم المراء ١٢٠
- كلمة فى ذم الاستهزاء ١٢١
- كلمة فى ذم الإفراط فى المزاح ١٢١

- كلمة في ذم الغيبة..... ١٢١
- كلمة في ذم الكذب ١٢٢
- كلمة في آفات اللسان ١٢٣
- كلمة في ذم حب الرئاسة ١٢٤
- كلمة في الحمول ١٢٥
- كلمة في ذم الرياء ١٢٥
- كلمة في ذم طول الأمل ١٢٦
- كلمة في مدح الرضا ١٢٨
- كلمة في مدح الصبر ١٢٩
- كلمه في مدح الشكر ١٣١
- [خاتمه] ٢٣١

[مقدمه تحقیق]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الحمد لله مبدء الأمم و محیی الزم و الصلوة علی من ارسله علی حین فتره من الرسل و طول حجة من الأمم يتلوا عليهم آیاته و یزکیهم و یعلمهم الكتاب و الحكم و علی آله الطاهرين ینابیع العلم و مصابیح الظلم (و بعد) بر ارباب دانش و هوش مخفی و پوشیده نیست که بهترین چیزها که انسان در گنجینه دل مخزون کند و چون در گرانمایه تعلیق گوش خویش نماید جواهرات فاخره و درر باهره کلمات حکمت و پند است که تشنه لبان را بآب حیات و آدمی را از هلاکت بسر حد نجات خواهد رسانید و لهذا در قرآن مجید از این تعبیر بگنج شده چنانچه در تفسیر آیه شریفه و کان تحته کنز لهما از اهل بیت عصمت سلام الله علیهم اجمعین وارد شده که آن گنج طلا و نقره نبوده بلکه لوحی بوده که در آن چند کلمه حکمت ثبت شده بود از این جهت بود که پیوسته طالبان انسانیت و سعادت رنجها میبردند و تعبها میکشیدند و ملازمت حکماء و علماء مینمودند تا چند کلمه از ایشان تعلم نمایند و دلهای مرده خود را بآن زنده نمایند نقل شده که مردی هفتصد فرسخ دنبال حکیمی

رفت تا آنکه هفت کلمه حکمت از او آموخت^۱ و ابو علی شقیق بلخی خدصت هفتصد عالم رسید و پنج چیز از ایشان یاد گرفت^۲ و شک نیست که اعلی و اغلای این جواهرات جواهریست که از معادن حکمت و خزانه علم الهی یعنی حجج طاهره اهل بیت حضرت رسالت پناه (ص) اخذ و التقاط شده باشد فإنها حیوة للقلوب المیتة و بصر العماء و سمع للضماء و ری للظماء لا جرم جماعتی از علماء دیتیه شکر الله مساعیهم الجمیله همت عالی خود را بر آن گماشته و پس از رنج و تعب بسیار این جواهرات گرانیها را از محال مختلفه و مواضع متشتته جمع آوری نموده و در قالب تصنیف در آورده و در میان مردم باقی گذاشتند از جمله کتاب معدن الجواهر تألیف شیخ عالم جلیل و ثقة و فقه بی بدیل ابو الفتح محمد بن علی الکراچیکی تلمیذ شیخ مفید و علم الهدی است رضوان الله علیهم اجمعین که واقعا معدن جواهر و مخزن درر باهره از اصداف حجج طاهره است

ففی کل لفظ منه روض من المنی و فی کل سطر منه عقد من الدر

لکن از جهت آنکه الفاظ آن عربی است کسانی از لغت عرب بهره نداشتند از آن بهره نمیدادند تا آنکه در این اوان سعادت اقترا نوفیق سبحانی شامل حال جناب فخامت نصاب فخر الحاج الحاج میرزا زین العابدین تاجر نوری قریده توفیق گردیده بجهت خدمت ببرادران دینی در صدد بر آمده که این کتاب مستطاب را ترجمه نماید و بزیر طبع در آورد تا آنکه با قیامت صالحات و صدقه جاریه مستمره باشد که پیوسته عامه ناس از عوام و خواص از آن بهره برند و بفیوضات غیر متناهی آن رسند و بمفاد الدال علی الخیر کفاعله نیز در آن فیوضات سهیم و شریک شوند و در

۱- اما هفت کلمه که آن مرد از حکیم یاد گرفت در باب هفتم ذکر خواهد شد.

۲- اما پنج چیزی را که شقیق بلخی از هفتصد عالم پرسید و تمام بیک نحو جواب دادند و شقیق از ایشان آموخته است چنین است که ۱ گفت پرسیدم عاقل کیست گفتند «کسی که محبت دنیا اختیار نکرده باشد» ۲ گفتم زیرک کیست گفتند «آن کسی که مغرور و فریفته دنیا نشود» ۳ گفتم غنی و توانگر چه کس است گفتند «کسی که راضی و خوشنود باشد با آنچه حق تعالی قسمت و نصیب او فرموده» ۴ پرسیدم فقیر کیست گفتند «آن کسی که پیوسته دلس در پی زیادتی مال و در طلب دنیا است» ۵ گفتم بخیل کدامست گفتند «آنکه حق خدا را از مال خود نمیدهد»

حیات و ممات حطّی وافر و سهمی متکاثّر برده باشد پس بصلاح و صوابدید جناب مستطاب سنادا لعلماء و عمادالاتقیاء فخر الساده و منبع السعاده سیدنا علم الهدی دامت برکاته ایح امر را ارجاع فرمودند باین فقیر بی بضاعت و متمسک باحادیث اهل بیت رسالت عباس بن محمّد رضا القمی ختم الله له بالحسنی و السعاده پس احقر حسب امتثال انگشت قبول بر دیده نهاده و گفتم نصرتی لکم معدّۀ و این نسخه شریفه را بقدر وسع خود ترجمه نمودم و باندازه تمکن و بضاعت خویش خدمت ببرادران دینی نمودم و رجاء واثق آنکه اگر اهل دانش و فضل عثرة و لغزشی دیدند مرا معذور دانسته و اصلاح فساد و ترویج کساء نمایند چه آنکه نسخه بینهایت مغلوّط و سقیم بوده و نسخه دیگر نبود تا تصحیح آن نمایم با آنکه این نسخه شریفه در زمانهای سابق در نزد علماء سابق و لاحق بوده و از آن نقل نموده اند چنانچه شیخ شهید دهری در ضمن اجازه محمد بن نجده از آن نقل نموده و علامه مجلسی ره مکرّر در بحار از آن نقل کرده و جناب آقا سید محمد باقر اصفهانی مرحوم در روّضات الجنّات گفته نسخه ای از آن برد من است لکن چون روز بروز علم میل بتنزل دارد و بازارش رو بکسادی آورده تا زمان ما بکلی آثار آن محو و منطمس گردیده و یکباره چهل بر روی جلاباب کشید

کان لم یکن بین الحجون الی الصفا انیس و لم یسمر بمکة سامر

از این جهت کتب دینیّه در زوایای خمول محو نابود گشته و منسوج عناکب نسیان گردیده تا بحدی که از برای این نسخه شریفه دومی نجستم تا بمعاونت آن آن را صحیح کنم لا جرم بذل جهد نموده بقدر امکان بمعاونت کتاب خصال و غیره بعض جاهای آن را تصحیح نموده و ترجمه نمودم و بعض جاها که معلوم نشده باجمال گذاشتم و یا بحاصل مراد پرداختم و جاهائی که بیاض بوده بیاض باقی گذاشتم.

و السلام علی من اتبع الهدی

بتاریخ ۲۸ شهر صفر ۱۳۷۴

(بسمه تبارک و تعالی شأنه) بدان که این کتاب صستطاب مشتملست بر ده باب
باب اوّل در خصال است که متعلق بلفظ واحد و یک ست باب دوّم در خصال اثنین
است باب سوّم در خصال ثلاثه و هکذا تا باب دهم که در خصال عشره است و در هر
بابی ابتدا می شود بکلمات و مواعظ حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله و بعد از
آن روایات ائمه اطهار سلام الله علیهم اجمعین پس از آن از حکماء راسخین و
علماء شامخین و غیرهم نقل می شود و در آخر هر بابی ذکر می شود وصیت
جامعه از حکیمی بفرزند عزیز خود چنان که معلوم خواهد شد ان شاء الله تعالی
اینک شروع کنیم بترجمه کتاب فنقول و بالله الاستعانة فی کلّ باب